حضرت امام
علی بن موسی الرضا علیهما السلام
و
خاندان نبوت
در آثار سنایی


بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهماالسلام و خاندان نبوت در آثار سنایی

نویسنده:

محمود مهدوی دامغانی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهماالسلام و خاندان نبوت در آثار سنایی

مشخصات کتاب

حضرت امام علی بن موسی الرضا علیهماالسلام و خاندان نبوت در آثار سنایی

بر گرفته از نامه آستان قدس

مهدوی دامغانی، محمود

مشخصات نشر: [بی جا]: [بی نا]، انتشارات، ۱۳XX

مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.

وضعیت فهرست نویسی: در انتظار فهرست نویسی (اطلاعات ثبت)

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۹۶۹۲۸

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

در میان شاعران بزرگ ایران عموما و خراسانیان خصوصا کسانی که شیعه و سر سپرده مخلص امام بزرگوار حضرت علی بن ابی طالب و فرزندان پاک نهاد آن بزرگ بوده اند اندک نیستند.

اگر مدایح بزرگان ادب فارسی از خاندان نبوت از قرن سوم هجری تا زمان حاضر استخراج گردد و دواوین شاعران و برخی آثار منثور برگزیده را از این جهت بررسی کنیم ثابت خواهد شد که پیوند روحی ایرانیان که گاه در لباس شعر و گاه در جامه نثر نسبت به خاندان گرامی نبوت جلوه گر شده است سهم عمده ای از ادب فارسی را در بر گرفته است. در قرن پنجم و ششم هجری که دوره کمال شعر خراسان و سبک خراسانی است چند شاعر آزاده پر منش که دلباخته سیم و زر فرمانروایان و شیفته دریافت پول و از نقره دیگدان زدن نبودند عقیده خود را با شجاعت و صراحت درباره امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و فرزندان گرامیش علیهم السلام بیان داشته اند. برخی از این شاعران در راه اظهار صریح نظر خود خسارت سنگین دیده و تاوان گران پرداخته اند. دشمنان فردوسی موضوع تشیع او را بهانه قرار دادند و محمود غزنوی را نسبت به او خشمگین ساختند تا جایی که صله او آن چنان که معهود بود پرداخت نشد و با آن شاعر آزاده خراسانی بدان درجه از نیاز رسید

که می گفت «مصیبت بود پیری و نیستی» در عین حال نه تنها از عقیده راستین خود هیچ گونه انصرافی حاصل نکرد بلکه چنین می گفت:

منم بنده اهل بیت نبی

سر افکنده بر خاک پای وصی

بدان گیتی ام نیز خواهشگر است

که با تیغ تیز است و با منبر است

ص ۲۱۷ ج ۵ شاهنامه چاپ ژول مول

ناصر خسرو هم که از آیین حنفی دست برداشته و به اسماعیلیان گرویده بود هنگامی که در دره یمگان در تبعید به سر می برد و به او پیشنهاد می کردند که اگر از عقیده خود دست بردارد برای او در مجلس امیر خراسان مقام و منزلت خاص در نظر گرفته می شود چنین می گوید:

کی ریزم آبروی چو تو بی خرد

بر طمع آن که توبره پر نان کنم

ای بد نصیحتی که تو کردی مرا

تا چون فلان خسیس و چو بهمان کنم

ص ۳۰۵ دیوان چاپ مرحوم تقوی

ضمن همین قصیده خطاب به چاپلوسان و دنیاپرستان دستگاه غزنوی و سلجوقی با قدرت و شدت چنین بیان می دارد:

زی اهل بیت احمد مرسل شوم

تن را رهی و بنده ی ایشان کنم

جان را ز بهرِ مدحتِ آل رسول

گه رودکی و گاهی «حِسان» کنم

زندان مؤمن است جهان دون

زان من همی قرار به یمگان کنم

همین شاعر گرامی در قصیده ای که آن را مردف به ردیف «محمد» صلی الله علیه و آله و سلم ساخته و از قصاید شیوای دیوانش شمرده می شود ضمن عرض ادب به پیشگاه حضرت ختمی مرتبت چنین می سراید.

نبینی که امت همی گوهر دین

نیابد مگر کز بنین محمد

محمد بدان داد گنج و دفینش

که او بود در خور قرین محمد

قرین محمد که بود آن که جفتش

نبودی مگر حور عین محمد

ازین حور عین و قرین گشت پیدا

حسین

و حسن شین و سین محمد

حسین و حسن را شناختم حقیقت

بدو جهان گل و یاسمین محمد

نیارم گزیدن همی مر کسی را

برین هر دوان نازنین محمد

ص ۱۰۳ دیوان

اما سنائی در این راه ستاره درخشنده تری است به ویژه که یکی از قصاید شیوا و گیرا و قدیمی فارسی در مدح امام هشتم علیه السلام ساخته و پرداخته ی آن عزیز است. این قصیده که خواننده ی گرامی در صفحات آینده آن را ملاحظه خواهد نمود قابل شرح و توضیح است واین بنده هم درخور فهم خود تلاش نموده است تا موارد تأثیر اخبار و احادیث را در آن قصیده روشن سازد که شاید پاره یی از مشکلات آن روشن گردد و همین قصیده سبب آمد تا آثار سنایی را از لحاظ محتوای آنها به ذکر خاندان نبوت بررسی کنم و چه دریای پر گهری است که مایه اصلی بسیاری از مدایح و مناقب در قرنهای بعد شمرده می شود. اگر چه منبع اصلی همه مناقب، قرآن و احادیث است و خوشا به حال کسانی که بتوانند از این دو منبع پر فیض استفاده ببرند و سنایی را در این مورد بهره وافی فراهم بوده است و چون توجه بیشتر بر همان مدیحه حضرت رضا علیه السلام است در موارد دیگر به اختصار گراییدم. آرزومندم این کار بسیار خرد مقبول پیشگاه مقدس حضرتش که سلیمان راستین وادی حقیقت است واقع گردد که «ران ملخی نزد سلیمان بردن» خواهد بود.

حکیم سنایی در چند سطر

شاعر نامی و عارف گرانمایه ابو المجد مجدود بن آدم سنایی در یکی از سالهای دهه ی ششم یا هفتم قرن پنجم در شهر غزنین زاده شد و در سال ۵۳۵ یا ۵۴۵ درگذشت [۱]

اهمیت او تا بدان درجه است که نه تنها سبک و شیوه تازه ای در ادب فارسی گشود که گروه زیادی از او پیروی نمودند بلکه مورد احترام عمیق بزرگان مکتب عرفان فارسی قرار گرفته است. دولت شاه سمرقندی در تذکره خود این بیت را از قول مولوی نقل می کند که نشان دهنده اهمیت سنایی در نظر اوست:

عطار روح بود و سنایی دو چشم آن

ما از پی سنایی و عطار آمدیم

زیادی آثار آموزنده او دلیل بر فراوانی کار و همت سرشار اوست. خوشبختانه سنایی از شاعرانی است که آثارش از تطاول روزگار محفوظ مانده است و بدون تردید یکی از عوامل آن کثرت شیوع و توجه زیاد اهل فضل به آنها بوده است. بدون تردید او را باید از ستارگان درخشان ادب و فرهنگ ایرانی و اسلامی شمرد و به حق سر خیل سپاه شاعران عارف فارسی زبان است.

اگرچه درباره مذهب او نویسندگان آراء گوناگون را بر شمرده و اظهار نظر صریح ننموده اند ولی این بنده به مواردی برخورده است که او برای ائمه شیعه قائل به عصمت انبیاء اولوالعزم است آیا غیر شیعی فی المثل برای امام هشتم ادعای عصمت می نماید؟ بهتر است قضاوت در این باره پس از مطالعه تراوش های فکری او درباره اهل بیت به خوانندگان گرامی واگذار گردد.

حرم مطهر رضوی در قرن چهارم و پنجم

با توجه به این که بحث در این باره خارج از این مقاله است در کمال اختصار و ایجاز برای روشن شدن ذهن برخی از خوانندگان گرامی عرض می کند که آستان قدس رضوی از همان قرن سوم هجری مورد توجه کامل شیعیان و به ویژه خراسانیان بوده است. شیعیان و ارادتمندان از راه های دور

برای کسب فیض و زیارت به آن درگاه روی می آوردند. صاحب بن عباد وزیر ادیب و دانشمند به عنوان عرض ادب و درود و ستایش امام دو قصیده شیوا به زبان عربی سروده است که در صفحات ۵ تا ۷ کتاب عیون اخبار الرضا نوشته شیخ اجل صدوق رحمه الله تعالی درج شده است و می دانیم که شیخ درگذشته به سال ۳۸۱ است که اکنون بیش از هزار سال از وفات او می گذرد. چگونگی توجه امرایی چون رکن الدوله دیلمی و امیر ابو منصور بن عبدالرزاق و توجه مردم گرفتار به آستان مقدس رضوی از صفحه ۲۷۸ تا ۲۸۸ همان کتاب ارزشمند (ج ۲ چاپ دارالعلم قم ۱۳۷۷ ق) آمده است که باید بدانجا مراجعه نمود.

نباید تصور کرد که فقط امرای شیعی به آبادی حرم مطهر رضوی توجه داشته اند بلکه سلسله های غزنوی و سلجوقی نیز در کمال خضوع و فروتنی نسبت به آبادی و معمور بودن آستان قدس رضوی کوشیده اند. در این باره مناسب است به موضوعی که در کامل التواریخ ابن اثیر «ص ۴۰۱ ج ۹ چاپ بیروت» آمده است اشاره شود که از جمله کارهای خیر محمود غزنوی تجدید ساختمان حرم مطهر و رفع مزاحمت از زائران آن حضرت بوده است. در نتیجه ی توجه محمود گروه زیادی از سران سپاه و درباریان او هم نسبت به گسترش ساختمان و وقف اوقافی بر مزار آن حضرت اقدام نموده اند که به مواردی از آن در تاریخ بیهقی اشاره شده است. بنابراین در دوره سنایی آستان قدس رضوی معمور و مورد توجه کامل مشتاقان بوده است.

اینک نخست به برخی از سروده های او درباره پیشوایان دیگر نگاهی

می کنیم و سپس قصیده او را درباره حضرت رضا علیه اسلام مطالعه خواهیم نمود.

حضرت علی

در دیوان سنایی و در حدیقه الحقیقه و در مثنویها از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام با اسامی مختلف و القاب گوناگون در کمال حرمت و تبجیل یاد شده است. بیرون آوردن همه موارد سخن را به درازا می کشاند ولی چون یکی از هدفها در این مقاله ارائه مواردی است که دلالت روشن بر تشیع سنایی داشته باشد به چند بیت که این منظور را به طور وضوح تأیید می نماید اشاره می شود. سلطان سنجر سلجوقی که از طرف اسماعیلیان به مرگ تهدید شده است ضمن نامه ای از سنایی درباره مذهب او و آیین درست اسلامی سؤال می کند پاسخ سنایی را اگر به دیده انصاف بنگریم در تشیع او هیچ تردیدی باقی نمی ماند آن هم تشیعی آمیخته با شجاعت و بی باکی.

کار عاقل نیست در دل مهر دلبر داشتن

جان نگین مهر مهر شاخ بی بر داشتن

احمد مرسل نشسته کی روا دارد خرد

دل اسیر سیرت بوجهل کافر داشتن

ای به دریای ضلالت در گرفتار آمده

زین برادر یک سخن بایست باور داشتن

بحر پر کشتی است لیکن جمله در گرداب خوف

بی سفینه ی نوح نتوان چشم معبر داشتن

گر نجات دین و دل خواهی همی تا چند از این

خویشتن چون دایره بی پا و بی سر داشتن

من سلامت خانه ی نوح نبی بنمایمت

تا توانی خویشتن را ایمن از شر داشتن

شو مدینه علم را در جوی و پس در وی خَرام

تا کی آخر خویشتن چون حلقه بر در داشتن؟

چون همی دانی که شهر علم را حیدر در است

دیو را بر مَسند قاضی اکبر داشتن

از تو خود چون می پسندد عقل

نابینای تو

پارگین را قابل تسنیم و کوثر داشتن

مَر مرا باری نکو ناید ز روی اعتقاد

حق حیدر بردن و دین پیمبر داشتن

کسانی که مایل باشند تمامی این قصیده را ملاحظه کنند لطفا به صفحات ۲۵۰ تا ۲۵۲ دیوان سنایی چاپ آقای دکتر مصفا مراجعه فرمایند تا شواهد روشن دیگری که در آن آمده است از نظرشان دور نماند. توجه خواهید داشت که این قصیده در پاسخ سنجر است و سنایی با شهامت فوق العاده خود آنچه را که خواسته گفته است. در حدیقه تنها در یک ستایش ۱۸ صفحه را به مدح امام بزرگوار علی بن ابی طالب اختصاص داده است لطفا به این چند بیت که از آن صفحات گزیده شده است توجه فرمایید.

آن ز فضل آفت سرای فضول

آن علمدار و علم دار رسول

نامش از نام یار مشتق بود

هر کجا رفت همرهش حق بود

محرم او بود کعبه جان را

محرم او بود سر یزدان را

هر که تن دشمنست و یزدان دوست

داند الرَّاسِخُونَ فِی الْعِلْمِ اوست

در همین مدحیه درباره کناره گیری ظاهری آن حضرت از خلافت چنین می گوید:

نه علی از خَسان زبون بودی

شیر با گاومیش چون بودی

صورت ملک را که روح نداشت

از پی مرد صورتی بگذاشت

ملک معنی گرفت و نیک براند

آیت عزل خویشتن بر خواند

حضرت زهرا

در دیوان و در حدیقه ضـمن مدایح ائمه و نصایح اخلاقی و در باب نشان دادن انسانهای نمونه مکرر در مکرر از حضرت زهرا با نامهای مختلف «بتول، زهرا، فاطمه» و القاب «خیر النساء، سـیده النساء» در کمال احترام نام برده شده است اما مدیحه مسـتقل و جداگانه ای درباره آن حضرت نسروده است و این بنده تصور می کنم در این مورد سنایی

یک نوع ادب و عفت را رعایت نموده است زیرا برای هیچیک از همسران حضرت ختمی مرتبت هم که برخی از ایشان چون خدیجه و ام سلمه و ماریه مورد تکریم کامل شیعیان هم هستند مدیحه ای نسروده است برای نمونه یکی دو بیت که در آنها ذکر نام حضرت زهرا شده است آورده می شود.

سراسر جمله عالم پُر زنانند

زنی چون فاطمه خیر النساء کو؟

ص ۳۰۰ دیوان

جده من خدیجه زین زمان

مادرم فاطمه چراغ جنان

ص ۲۶۴ حدیقه

حضرت امام حسن

ذکر نام امام دوم و عرض ادب به آستان او مکرر در دیوان و حدیقه آمده است. در باب سوم حدیقه که عنوان آن «فی نعت النبی علیه السلام و فضائل اصحابه» می باشد چهار صفحه مناقب و فضایل امام حسن مجتبی علیه السلام است در عنوان برای امام لقب «امیرالمؤمنین» را برگزیده است که خود در خور دقت است اینک نمونه را چند بیت از آن بخش آورده می شود:

قره العین مصطفی او بود

سید القوم اصفیا او بود

چون علی در نیابت نبوی

کوثر داعی و عدوی دعی

منهج صدق در دلائل او

مهتری زنده در مخایل او

بود مانند جد به خلق عظیم

پاک علق و نفیس عرق و کریم

ص ۲۶۳ حدیقه

بیت دوم از ابیات بالاـ هم در خور توجه است و نشان دهنده اعتقاد شیعی شاعر. در حدیقه علاوه بر این در آنجا که صفت مرگ پیامبران را بیان می کند در سه بیت از امام دوم نام می برد در دیوان هم موارد دیگری نیز هست که چون قرار بر اختصار است به همین اندازه بسنده می شود.

حضرت امام حسین

در مورد امام سوم در حدیقه پس از ذکر مناقب امام دوم شش صفحه اختصاص یافته است برای آن حضرت هم در عنوان از لقب «امیرالمؤمنین» استفاده شده است و اینک چند بیت از آن بخش را ملاحظه می نمایید.

پسر مرتضی امیر حسین

که چنوئی نبود در کَونین

همت او ورای قمه عرش

نام او گستریده در همه فرش

نبوی جوهری ز بحر جلال

یافته از کمال صدق جمال

عقل در بند عهد و پیمانش

بوده جبریل مهد جنبانش

اصلها ثابت اشاره حق

سوی این سرو گفتمش مطلق

آن مثال نبی و عالم زین

وارث مصطفی امیر حسین

ص ۲۶۸ حدیقه

بیانی دیگر درباره کربلا و بارگاه حسینی دارد که

بسیار نیکو و استوار است و نشان می دهد که از دل گوینده سرچشمه گرفته است مطلع آن چنین است:

حَبَّذا کربلا و آن تعظیم

کز بهشت آورد به خلق نسیم

ص ۲۷۰ حدیقه

در دیوان هم در پاسخ قصیده عارف زرگر و در جاهای دیگر از امام حسین علیه السلام یاد شده است اینک به دو سه بیتی که از دیوان برگزیده شده است توجه فرمایید:

خرمی چون باشد اندر کوی دین کز بهر حق

خون روان گشتست از حلق حسین در کربلا

ص ۱۷ دیوان

درد این باد هوا در تن هر کس که شود

هست دردی که به جز سوختنش درمان نیست

ص ۵۷ دیوان

برخی از ائمه دیگر شیعه

از حضرت «علی الاصغر» در حدیقه دو مرتبه یاد شده است و توجه خواهید داشت که برخی از مورخان «مانند یعقوبی» معتقدند که مقصود از (علی الاصغر) حضرت سجاد علیه السلام است.

علی الاصغر ایستاده به پای

وان سگان ظلم را بداده رضا

شهر بانوی پیر گشته حزین

علی اصغر آن دوزخ پر چین

ص ۲۷۰ حدیقه

درباره امام پنجم این بنده در فهارس دیوان و حدیقه مطلبی ندید و نیز در مورد امام صادق علیه السلام به جز سه بیت در

دیوان و حـدیقه مطلـبی نیامـده است و تقریبـا در مورد این دو بزرگوار به سـکوت برگزار شـده است و چون ممکن است برای برخی از خواننـدگان گرامی این تصور پیش آید که چگونه سـنایی سـر سپرده مخلص خاندان عصـمت و طهارت در باب دوم حدیقه که همه آن سـتایش از بزرگان اسلام واز جمله ابوحنیفه و شافعی است و در باب امام صادق علیه السلام مطلبی نسروده است باید توضیح داده شود که اولا مذاهب اصلی که بنا به اعتقاد اهل سنت چهار مذهب عمده مالکی،

حنبلی، حنفی و شافعی است در حدیقه همه آنها ذکر نشده است چنان که از مذهب مالکی و حنبلی مطلقا نامی نیامده است و این شاید بدان جهت باشد که مذهب غالب در خراسان حنفی و شافعی بوده است و چون مذهب فقهی خاندانهای غزنوی و سلجوقی حنفی و مذهب گروهی از وزرا چون نظام الملک شافعی بوده است سنایی در باب دوم حدیقه فقط به ذکر دو مذهب مذکور و تمجیدی از دو پیشوای آن اکتفاء نموده است. به علاوه اگر ذکر مطلبی در آثار کسی نباشد دلیل بر عدم اعتقاد نویسنده بر آن نیست در عین حال این بنده تصور می کند که شاید برخوردهای شدید میان اسماعیلیان و سلجوقیان و رواج بازار اتهام قرمطی دانستن اشخاص از موجباتی بوده است که سنایی را در مورد امام صادق علیه السلام تا اندازه ای وادار به سکوت نموده باشد. معذلک در دیوان سنایی در همان قصیده خطاب به سنجر چنین می خوانیم

گر همی مؤمن شناسی خویشتن را بایدت

مهر زر جعفری بر دین جعفر داشتن

ص ۲۵۱ دیوان

در قصیده دیگری در دیوان خطاب به خود چنین سروده است:

گرد جعفر گرد گر دین جعفری جویی همی

زانکه نبود هر دو هم دینار و هم دین جعفری

ص ۳۳۶ دیوان

ملاحظه می فرمایید با آن که نسبتا درباره امام صادق علیه السلام به خموشی گراییده است در همین دو بیت آنچه را که بایست بگوید گفته است. از حضرت موسی بن جعفر در همان قصیده خراسان در کمال احترام نام برده و عظمت حضرت رضا را در این می داند که در دامان حضرت موسی بن جعفر پرورش یافته اند.

درباره حضرت مهدی علیه السلام در حدیقه و در دیوان اشاراتی

آمده است به شرح زیر:

در ذیل فصلی با عنوان «فی اتباعه صلوات الله علیه» که مراد پیروان پاک قلب حضرت ختمی مرتبت است چنین می خوانیم:

خلق او آمد از نکو عهدی

روح عیسی و قالب مهدی

ص ۱۹۹ حدیقه

در مورد دیگری چنین آمده است:

ای به دم جفت عیسی مریم

دام دجال بر کن از عالم

اندرین روزگار بد عهدی

چیست جز عدل هدیه مهدی؟

ص ۵۸۱ حدیقه

در دیوان او هم این چنین آمده است:

ای دریغا مهدی ای که امروز از هر گوشه ای

یک جهان دجال عالم سوز سر برکرده اند

ص ۸۸ دیوان

گر مخالف خواهی ای مهدی درآ از آسمان

ور موافق خواهی ای دجال یکره سر بر آر

ص ۱۱۰ دیوان

همیشه منتظرم هدیه هدایت را

و لیک مهدی در مهد نیست منتظرم

ص ۲۰۲ دیوان

پیش از آغاز به قصیده مدیحه حضرت رضا علیه السلام تذکر می دهیم که سنایی در قصیده دیگری که مردف به ردیف «کو؟» است و مطلع آن چنین است:

جهان پر درد می بینیم دوا کو؟

دل خوبان عالم را وفا کو؟

ضمن اظهار تأسف از موجود نبودن نمونه های بارز فضایل در دوره خود درباره امام چنین می گوید:

سراسر جمله عالم پر امامست

امامی چون علی موسی الرضا کو؟

اما قصیده مدحیه حضرت رضا دارای ۳۸ بیت است و در دیوان چاپ آقای دکتر مظاهر مصفا از صفحه ۲۴۲ تا ۲۴۴ چاپ شده است وزن آن بنا به استخراج ایشان هزج مسدس مقبوض محذوف «مفعول مفاعلن فعولن» است.

دین را حَرَمیست در خراسان

دشوار ترا به محشر آسان

از معجزه های شرع احمد

از حجت های دین یزدان

همواره رَهَش مسیر حاجت

پیوسته درش مشیر غفران

چون کعبه پر آدمی ز هر جای

چون عرش پر از فرشته هزمان

هم فر فرشته کرده جلوه

هم روح وصی در او به جولان

از رفعت او حریم مشهد

از

هیبت او شریف بنیان

از دور شده قرار زیرا

نزدیک بمانده دیده حیران

از حرمت زایران راهش

فردوس فدای هر بیابان

قرآن نه درو و او اولوالامر

دعوی نه و با بزرگ برهان

ایمان نه و رستگار از او خلق

توبه نه و عذرهای عصیان

از خاتم انبیا درو تن

از سید اوصیا درو جان

آن بقعه شده به پیش فردوس

آن تربه به روضه کرده رضوان

از جمله شرطهای توحید

از حاصل اصل های ایمان

زین معنی زاد در مدینه

این دعوی کرده در خراسان

در عهده موسی آل جعفر

با عصمت موسی آل عمران

مهرش سبب نجات و توفیق

کینش مدد هلاک و خذلان

مأمون چو به نام او درم زد

بر زر بفزود هم درم زان

هوری شد هر درم بنامش

کس را دِرَمی؛ زدند زین سان؟

از دیناری همیشه تا ده

نرخ دِرَمی شدست ارزان

بر مهر زیاد آن دِرَمها

از حرمت نام او چو قرآن

این کار هر آینه نه بازیست

این خود به چه گل کنند پنهان؟

ز دست به نام هر خلیفه

سیمست به ضرب خان و خاقان

بی نام رضا همیشه بی نام

بی شان رضا همیشه بی شان

با نفس تنی که راست باشد

چون خور که بتابد از گریبان

بر دین خدا و شرع احمد

بر جمله ز کافر و مسلمان

چون او بود از رسول نایب

چون او سزد از خدای احسان

ای مأمون کرده با تو پیوند

وی ایزد بسته با تو پیمان

ای پیوندت گسسته پیوند

و آن پیمانت گرفته دامان

از بهر تو شکل شیر مسند

درنده شده به چنگ و دندان

آن را که ز پیش تخت مأمون

برهان تو خوانده بود بهتان

با درد جحود منکرش را

اقرار دو شیر ساخت درمان

از معتبران اهل قبله

وز معتمدان دین دیان

کس نیست که نیست از تو راضی

کس نیست که هست بر تو غضبان

اندر پدرت وصی احمد

بیتیست مرا به حسب امکان

تضمین کنم اندرین قصیده

کین

بیت فرو گذاشت نتوان

ای کین تو کفر و مهرت ایمان

پیدا به تو کافر از مسلمان

در دامن مهر تو زدم دست

تا کفر نگیردم گریبان

اندر ملک امان علی راست

دل در غم غربت تو بریان

و اینک توضیحات مختصری درباره برخی از ابیات:

۱ - در بیت اول قصیده اشاره به حدیثی است که از حضرت علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه که فرمود هر کس مرا با دوری مدفنم زیارت کنند در روز قیامت در سه مورد به یاری او خواهم شتافت هنگام توزیع نامه های اعمال و گاه عبور از پل صراط و در پای میزان. این حدیث به صورتهای گوناگون نزدیک به هم در چند جای از کتاب عیون اخبار الرضا فراهم آورده شیخ اجل صدوق در گذشته ۳۸۱ هجری قمری آمده است از جمله در صفحه ۲۵۵ ج ۲ چاپ دار العلم قم ۱۳۷۷ هجری قمری.

۲ - در بیت دوم اشاره به اخبار متعددی است که دلالت بر ظهور کرامات از قبر مطهر امام دارد در این باره در همان کتاب عیون اخبار الرضا ۱۳ مورد از صفحات ۲۷۸ تا ۲۸۸ آمده است و مرحوم مجلسی رحمه الله تعالی علیه هم در بحار صفحات ۳۲۶ تا ۳۳۷ ج ۴۹ چاپ آخوندی عینا آنها را بیان داشته است.

۳ - در بیت نهم اشاره به اعتقاد ویژه شیعیان است که «اولوالامر» را فقط بر ائمه دوازده گانه اطلاق می نمائیم و در این مورد می توان به کتاب اصول کافی مرحوم کلینی مراجعه نمود، ص ۲۹۳ ج ۱ اصول کافی با ترجمه فارسی چاپ کتابفروشی علمیه تهران. ظاهرا مقصود از بیت این است که اگرچه قرآن به حضرت علی بن

موسی الرضا نازل نشده است ولی مقصود از «اولوالامر» همان حضرت است و در این باره ادعا نمی کنم بلکه می توانیم برهان بزرگ و دلیل روشن هم ارائه دهیم.

۴ – در بیت یازدهم اشاره به خبری است از حضرت ختمی مرتبت که در بسیاری از کتب قدیمی و معتبر شیعه به این صورت آمده است «ستدفن بضعه منی بارض خراسان» (بزودی پاره ای از تن من در زمین خراسان به خاك سپرده خواهد شد.) برای اطلاع بیشتر رجوع شود به ص ۴۴۴ ترجمه اعلام الوری اثر ارزنده طبرسی و صفحات ۲۸۳ تا ۲۸۷ ج ۴۹ بحار چاپ آخوندی تهران.

۵ – بیت سیزدهم اشاره به حدیث شریف سلسله الذهب است که از احادیث معروف است و به وسیله حضرت رضا (ع) هنگام عزیمت ایشان از نیشابور ایراد گردیده و خلاصه آن چنین است که امام فرمود پدران من از رسول خدا حدیث کردند که حق تعالی فرماید «کلمه لا اله الا الله دژ استوار من است که هر کس در آن درآید از شکنجه من در زینهاری خواهد بود» و سپس حضرت رضا فرمود از جمله شرایط آن، اعتقاد به من است. این حدیث به صورتهای مختلف در صفحات ۱۳۴ تا ۱۳۶ ج ۲ عیون اخبار الرضا آمده است. مصراع دوم بیت هم اشاره به حدیثی است که به صورتهای گوناگون در کتاب کلینی ص ۳۲۰ ج ۱ چاپ علمیه تهران آمده است.

۶ – در بیت ۱۵ به طوری که ملاحظه می کنید سنایی برای حضرت رضا مرتبه عصمت موسی علیه السلام را قائل است و دلیل بر کمال خلوص او و شناخت حق امام کما هو حقه است.

۷ –

مطلب بیت ۱۶ مأخوذ از احادیث متعددی است که در بسیاری از منابع شیعی و سنی آمده است از جمله در صفحات ۱۹۰ تا ۱۹۶ مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام تألیف مغازلی شافعی در گذشته ۴۸۳ چاپ اسلامیه تهران.

۸ – ظاهرا منظور سنایی در بیت ۱۹ و ۲۰ این است که دینارهای طلایی که به نام دیگران زده شده است در طول زمان به واسطه ساییدگی از ارزش آن کاسته می شود ولی درمی که به نام حضرت رضا زده شده است از حرمت نام آن حضرت مانند قرآن مورد حفظ و افزونی مهرورزی خواهد بود.

۹ – در بیت ۲۷ اشاره به مطلبی است که از قول خود حضرت رضا هم درباره ناپایداری پیمان مأمون مکرراً اظهار شده است و از جمله می توان به ص ۲۹۲ ارشاد شیخ مفید در گذشته ۴۱۳ چاپ آخوندی تهران مراجعه نمود.

۱۰ – ابیات ۳۰، ۲۹ و ۳۱ اشاره به معجزه است که در مجلس مأمون از حضرت علی بن موسی الرضا ظاهر شد و تفصیل آن در صفحات ۱۷۰ تا ۱۷۲ ج ۲ عیون اخبار الرضا آمده است.

۱۱ – ظاهرا در بیت ۳۸ اطلاق کلمه غربت بدین جهت است که در یکی دو خبر این موضوع آمده است از جمله در امالی صدوق به نقل علامه مجلسی در ص ۲۸۳ ج ۴۹ بحار از قول خود حضرت رضا و نیز در عیون به نقل مرحوم مجلسی در ص ۲۸۶ ج ۴۹ بحار از قول امام صادق علیه السلام و شاید به همین جهت باشد که لقب «غریب» بر حضرت رضا صلوات الله علیه، تا این زمان نیز اطلاق می گردد.

پاورقی

[۱]

برای اطلاع از مقام ادبی و زندگانی سنایی مراجعه فرمایید به مقدمات فاضلانه دیوان او در چاپهای استادان محترم آقایان مدرس رضوی و مظاهر مصفا و سخن و سخنوران استاد فقید فروزانفر.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

